

تعیین کننده‌های سن قصد شده ازدواج: پژوهشی در میان جوانان شهر اصفهان^۱

علیرضا بختیاری،* حجه بی بی رازقی نصرآباد،** ملیحه علی‌مندگاری،***عباس
عسکری ندوشن****

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵)

چکیده

تحولات سن ازدواج در ایران که در بستر تغییرات گسترده ساختاری و نگرشی دهه‌های اخیر رخ داده است، در پژوهش‌های مختلفی مطالعه شده، اما تاکنون تعیین‌کننده‌های سن قصد شده ازدواج کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته است. این پژوهش با هدف مطالعه تعیین‌کننده‌های سن قصد شده ازدواج جوانان هرگز ازدواج‌نکرده در شهر اصفهان صورت پذیرفت. نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر از جوانان مجرد واقع در سنین ۱۸-۳۵ ساله در شهر اصفهان می‌باشند. داده‌ها به روش پیمایش و با

^۱ این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله با عنوان "ترجیحات شغلی و سن قصد شده ازدواج جوانان در شهر اصفهان" است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد انجام شده است.

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2021.527367.1427>

• مقاله علمی: پژوهشی

* کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران
alirezabakhtiari515@gmail.com

** دانشیار جمعیت‌شناسی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، تهران، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

Hajjiih.razeghi@psri.ac.ir

*** دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران

m.alimondegari@yazd.ac.ir

**** دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران

aaskarin@yazd.ac.ir

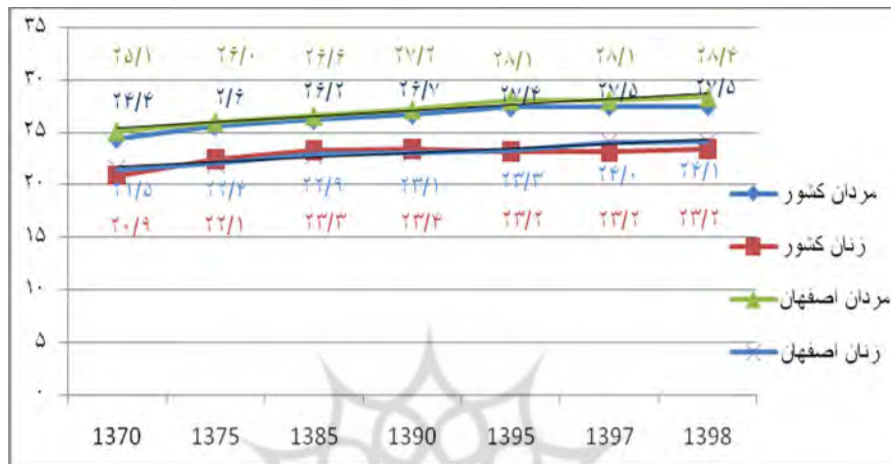
استفاده از ابزار پرسشنامه در سال ۱۳۹۹ جمع‌آوری گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد میانگین سن قصد شده ازدواج در شهر اصفهان برای پسران ۲۸/۲ و برای دختران ۲۶/۶ سالگی است در حالی که سن مطلوب ازدواج پایین‌تر از میانگین سن قصدشده برای ازدواج آنان است. شکاف موجود بیانگر این مطلب می‌باشد که مسئله ازدواج تحت تاثیر عوامل زیادی می‌باشد که براساس یافته‌ها، متغیرهای پایبندی دینی، سابقه کار و هدایت دوستان دارای رابطه‌ای معنادار با سن قصد شده ازدواج دختران هستند و متغیرهای تحصیلات، پایبندی دینی و طبقه اجتماعی-اقتصادی نیز دارای رابطه‌ای معنادار با سن قصد شده ازدواج پسران هستند. در مجموع، بر اساس نتایج این مطالعه، در کنار عوامل اقتصادی، تغییرات ارزشی و نگرشی هم در سن قصد شده ازدواج اهمیت دارد و با توجه به بالا بودن سن قصد شده ازدواج، تسهیل ازدواج جوانان و تشویق آن‌ها به ازدواج در سن مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است.

مفاهیم اصلی: جوانان، قصد، سن ازدواج، اصفهان، جمعیت

مقدمه و بیان مسأله

ازدواج به عنوان یک حادثه مهم و حیاتی در زندگی انسان محسوب می‌شود و بسیاری از جوانان یکی از ایده‌آل‌های خود را تشکیل خانواده می‌بینند. ازدواج به مثابه یک پدیده اجتماعی که در بستر پیچیده‌ترین و حساس‌ترین روابط اجتماعی میان دو جنس مخالف برقرار و به عنوان مقدمه و منشاء خانواده محسوب می‌گردد (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹). با اینحال جوانان ایرانی مانند بسیاری از جوانان خاورمیانه، هنگام ورود به بازار کار و ازدواج با چالش‌های زیادی روبرو هستند. نرخ بالای بیکاری، بالا رفتن سن در اولین ازدواج و پایین آمدن نرخ زاد و ولد نشان از معضلاتی است که جوانان در طول گذار به بزرگسالی با آن روبرو هستند. از طرفی در سال‌های اخیر نرخ رشد جمعیت در ایران، کاهش چشمگیری داشته است که یکی از عوامل مهم آن افزایش سن ازدواج است. اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵، نشان می‌دهد درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰ به ترتیب ۷۲/۲، ۲۷/۱ و ۷/۷ درصد بوده است که در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۷۸/۵، ۴۲/۳ و ۱۶/۳ درصد افزایش یافته است، در همین دوره زمانی، ارقام متناظر برای زنان از ۳۹/۳، ۱۴/۸ و ۶/۶ درصد به ۴۸/۶، ۲۸/۳ و ۱۶/۸ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵). علاوه براین، میانگین سن ازدواج در ایران در دهه‌های اخیر افزایش یافته است، به طوری که، میانگین سن

ازدواج زنان در ایران در سال ۱۳۷۰ برابر با ۲۰/۹ سال به ثبت رسیده که این میانگین مطابق اطلاعات سالنامه آماری در سال ۱۳۹۸ کشور به ۲۳/۴ سال افزایش یافته است، برای مردان نیز در سال ۱۳۷۰ میانگین سن ازدواج ۲۴/۴ سال بوده که در آخرین سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۹۸ به ۲۷/۵ سال رسیده است، البته افزایش سن ازدواج در استان اصفهان از میانگین کشوری هم بالاتر است. نمودار شماره ۱ روند تغییرات سن در اولین ازدواج در کل کشور و استان اصفهان را نشان می‌دهد. (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۸: ۱۸۳).



نمودار شماره ۱. روند تحولات سن در اولین ازدواج در کشور و استان اصفهان از سال ۱۳۷۰-۱۳۹۸

منبع: مرکز آمار ایران (سالنامه آماری سال ۱۳۹۸)

تاخیر در ازدواج علاوه بر ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد و کاهش فراگیر باروری، موجب افزایش میزان وقوع ناهنجاری‌های مادرزادی و عقب ماندگی نوزادان می‌شود و می‌تواند منحنی سلامت و هوش را در جامعه دچار اختلال نماید (آقاسی و فلاح، ۱۳۹۴: ۴). از طرفی، نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز تجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده می‌شود و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی‌هایی مانند انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و..... در سطح جوامع خواهیم بود (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۲). افزایش سن ازدواج جوانان علاوه بر این که مورد توجه محققین مختلف قرار گرفته، به عنوان یکی از چالش‌های اجتماعی نیز مطرح می‌باشد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نیز بدان پرداخته‌اند و در سیاست‌های کلی جمعیت، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بدان تأکید شده است.

مطالعات مختلفی تلاش کرده‌اند تا علل افزایش سن ازدواج در ایران را بررسی کنند، که این مطالعات تلاش ارزشمندی برای درک برخی از این تحولات تلقی می‌شود، ولی با توجه به شتاب تغییرات اجتماعی در جامعه ایران، ضرورت دارد که مطالعات بیشتری در خصوص تعیین‌کننده‌های سن قصد شده ازدواج صورت گیرد. به لحاظ آماری، شاخص میانگین سنی اولین ازدواج را می‌توان منعکس‌کننده رفتار افرادی دانست که تجربه ازدواج خود را پشت سر گذاشته‌اند و از وضعیت مجرد (هرگز ازدواج نکرده) به همسر دار تغییر وضع داده‌اند. به معنای دیگر، این شاخص از میانگین‌گیری مدت زمانی بدست می‌آید که افراد در دوران مجرد سپری کرده‌اند و می‌توان گفت سنی است که به‌طور متوسط افراد تا آن سن مجرد مانده‌اند (میرزایی، ۱۳۸۲: ۷۸). حال آنکه، سن قصد شده ازدواج، معطوف به افراد هرگز ازدواج نکرده است و قصد و برنامه ذهنی مجردها را برای خروج از وضعیت مجرد و خاتمه دادن به دوره زندگی مجردی در آینده منعکس می‌کند. در این برنامه ذهنی، فرد احتمالاً برمبنای تصور و تصویری که از مجموعه امکانات، فرصت‌ها، موانع و محدودیت‌های فراروی خود در زندگی ترسیم می‌کند، به آینده‌اش فکر و برای آن تصمیم‌سازی می‌کند. بخشی از ادبیات پژوهشی موجود و نیز مدل‌های نظری پیشنهاد شده (فیش بین و آیزن^۱ ۱۹۹۵؛ اینتر رایت^۲ ۱۹۹۸، آیزن ۲۰۰۵) نشان داده‌اند که قصد انجام رفتار و یا همان نیات رفتاری، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده بعدی رفتارهاست. همسو با این ادبیات پژوهشی، بخشی از مطالعات تجربی در ایران نیز اهمیت موضوع ایده‌آل‌ها و نیات رفتاری به ویژه در زمینه‌های ازدواج، خانواده و فرزندآوری را مورد تأکید قرار داده‌اند (حسینی، عسکری ندوشن و مرادی ۱۳۹۵؛ شاه‌آبادی، سرایی و خلج‌آبادی فراهانی ۱۳۹۳؛ عباسی‌شوازی، رازقی‌نصرآباد و حسینی‌چاوشی ۱۳۹۹؛ علی‌مندگاری و دیگران ۱۳۹۶؛ عسکری‌ندوشن، عباسی‌شوازی و پیری‌محمدی ۱۳۹۵؛ رازقی‌نصرآباد و فلاح‌نژاد ۱۳۹۶؛ عباسی‌شوازی، عسکری ندوشن و ترنتون ۲۰۱۲). با این اوصاف، سن قصد شده ازدواج، تمایلات جوانان مجرد برای زمان‌بندی رویداد ازدواج‌شان را در برنامه زندگی نشان می‌دهد. اهمیت سن قصد شده ازدواج در هرگونه سیاست‌گذاری اجتماعی زمانی بهتر روشن می‌شود که طی دهه‌های اخیر، طولانی شدن فرآیند گذار به بزرگسالی در ایران را در تعامل پیچیده با تغییرات ارزشی و نگرشی مورد توجه قرار دهیم. طولانی شدن فرآیند گذار به بزرگسالی در اثر تأخیرها در زنجیره‌ای از رویدادهای به هم مرتبط و سرنوشت‌ساز زندگی جوانان، که علی‌القاعده برمبنای انتظارات اجتماعی سپری کردن آن‌ها بعنوان پیش‌شرط و مقدم بر ازدواج و تشکیل خانواده تلقی می‌شود، شکل گرفته است. این زنجیره از رویدادها، از جمله تداوم تحصیلات به‌ویژه تا سطوح عالی، سپری کردن دوره خدمت سربازی برای پسرها، تأخیر در ورود به بازار کار و یافتن شغل، زمانبر شدن دستیابی به یک

¹ Fishbein and Ajzen

² Entner-Wright

منبع درآمد مکفی و کسب استقلال مالی و تملک یا یافتن یک سرپناه و مسکن برای آغاز زندگی مشترک است (عسکری‌ندوشن، امامی و شمس‌قهرخی ۱۴۰۰). جوانان مجرد باید در خصوص تقدم و تأخر گزینه ازدواج بر سایر اولویت‌های زندگی خود (که به برخی از آن‌ها اشاره شد)، تصمیم‌گیری نمایند. از این جهت، سن قصد شده ازدواج، هم به لحاظ سیاستگذاری اجتماعی و هم به لحاظ پیامدهای رفتاری حاصل از آن حائز اهمیت است. از این رو در مطالعه حاضر تلاش می‌شود به سؤالات زیر پرداخته شود: سن قصد شده ازدواج جوانان شهر اصفهان چیست؟ چه تفاوت‌هایی در سن قصد شده ازدواج بر حسب عوامل اجتماعی و جمعیتی نظیر (سن و جنس، تحصیلات، طبقه-اجتماعی، نقش خانواده، پایبندی دینی، گروه دوستان و نظایر آن) وجود دارد؟ کدام عوامل سن قصد شده ازدواج جوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهند؟ پاسخ به این گونه پرسش‌های پژوهشی را براساس اطلاعات گردآوری شده از پیمایشی که در بین نمونه‌ای از جوانان مجرد شهر اصفهان انجام گرفت، در این مقاله پی گرفته‌ایم.

پیشینه تحقیق

شکوری و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان «عوامل موثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات همدان» انجام داده‌اند. نتایج حاکی از این بود که حدود ۵۹ درصد کارکنان مجرد نسبت به امر ازدواج نگرش خوش‌بینانه‌ای دارند و رابطه‌ای معنادار و معکوسی بین دو متغیر اعتقاد به هزینه-فرصت بالای ازدواج و تمایل به ازدواج وجود دارد. کارکنانی که قائل به هزینه-فرصت بالای ازدواج بودند گرایش کمتری نیز به ازدواج ابراز کرده‌اند. همچنین رابطه‌ای معنادار بین داشتن تمکن مالی و تمایل به ازدواج اشاره شده به صورتی که هر چه تمکن مالی کارکنان افزایش یابد گرایش به ازدواج نیز اندکی افزایش می‌یابد. از طرفی نتایج تحقیق حاکی از این بود که افزایش معاشرت‌ها با جنس مخالف در قالب روابط دوستانه خارج از چارچوب و گریز از مسئولیت‌پذیری، تنوع‌طلبی و افزایش هزینه‌های زندگی متاهلی از جمله علل عدم گرایش به ازدواج بوده است. صباغچی، عسکری‌ندوشن و ترابی (۱۳۹۶) در تحقیقی به مطالعه عوامل تعیین‌کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش سن، موافقت به مجرد ماندن کاهش می‌یابد و کسانی که دارای والدین با تحصیلات پایین‌تر هستند مخالفت بیشتری با مجرد دارند. نتایج پژوهش حاکی از این بود که با افزایش سن، نگرش به ابعاد ازدواج و تشکیل خانواده سنتی‌تر می‌گردد و از طرفی نتایج گویای این مطلب بود که با افزایش فردگرایی افراد، موافقت با مجرد نیز افزایش می‌یابد. نتایج رابطه‌ای مثبت و معنادار را میان تحصیلات و سن ازدواج نشان می‌دهد و هرچه تحصیلات افزایش یابد سن ازدواج نیز افزایش خواهد یافت.

عسکری ندوشن، عباسی شوازی و پیری محمدی (۱۳۹۵) در تحقیقی به مطالعه سن ایده‌آل ازدواج و عوامل تعیین‌کننده‌ی آن در شهر یزد پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد تحصیلات پاسخگویان، تحصیلات والدین، پایبندی به ارزش‌های دینی، خودتحقق بخشی و نگرش به برابری جنسیتی بر حداقل سن ایده‌آل پسران تاثیر گذار است و تحصیلات والدین، تحصیلات پاسخگو، کوهورت موالید، نگرش فرامادی به ازدواج، خودتحقق بخشی، فردگرایی و پایبندی به ارزش‌های دینیبر حداکثر سن مناسب ازدواج دختران اثرگذار می‌باشد.

آقاسی و فلاح (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده» انجام دادند. جامعه آماری این طرح شامل همه زنان و مردان مجرد ۱۸ تا ۳۴ ساله ساکن در مراکز ده استان بود. یافته‌ها نشان داد که ۶۶/۷ پاسخگویان امر ازدواج را ضروری دانسته‌اند، با این حال با افزایش سن جوانان تغییر معکوس در نگرش جوانان درباره ضرورت امر ازدواج مشاهده می‌شود. از سوی پاسخگویان میانگین سن مطلوب ازدواج برای مردان ۲۷/۶ و برای زنان ۲۳/۲ سال عنوان شده و ملاکهای انتخاب همسر از نظر جوانان، داشتن شغل و درآمد و داشتن تفاهم و برخورداری از عفت و پاکدامنی است. همچنین یافته‌ها نشان داد نظر والدین در انتخاب همسر اهمیت زیادی داد و موانع ازدواج جوانان نیافتن همسر دلخواه، نداشتن شغل و بالا بودن هزینه‌های زندگی بیان شده است.

قاسمی‌اردهایی، نوبخت و ثوابی (۱۳۹۳) به بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده در شهرهای تبریز و اهر پرداختند. محققین داده‌ها را از ۷۱۰ زن همسر دار جمع‌آوری کردند و تفاوت‌های نگرشی در خصوص سن ازدواج را در میان کوهورت موالید (تا سال ۱۳۵۰، ۵۷-۱۳۵۰، ۶۵-۱۳۵۸، ۷۳-۱۳۶۶) مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان داد تفاوت در ویژگی‌های تحصیلی و شغلی در بین کوهورت‌های موالید مختلف نشان از تفاوت فضای اجتماعی دوران کودکی پاسخگویان است، که این امر موجب شده تا پاسخگویان نسل‌های مختلف برداشت‌های متفاوتی از زمان شکل‌گیری خانواده داشته باشند. همچنین نتایج نشان داد زنان با نسل‌های متفاوت، برداشت تقریباً یکسانی از سن مناسب برای ازدواج دختران دارند و بالای ۶۰ درصد آنها سن مناسب ازدواج دختران را بین ۲۴-۲۰ سال بیان کرده‌اند.

گیبل^۱ (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان «گذر از مدرسه به کار و به تاخیر افتادن سن اولین ازدواج در اردن» تغییرات سن ازدواج در بین متولدان سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ در اردن را بررسی می‌کند. یافته‌ها حاکی از تفاوت‌های جنسی آشکار در الگوی ازدواج و یک گرایش عمومی جهت به تاخیر انداختن می‌باشد. همچنین تحصیلات یکی از عواملی است که هم برای مردان و هم برای زنان

¹. Gibeel

ازدواج را به تاخیر می‌اندازد. در حالی که رکود و بیکاری از عواملی است که موجب به تاخیر افتادن سن اولین ازدواج برای مردان می‌گردد، اما عدم فعالیت موجب کاهش سن ازدواج زنان می‌گردد. مردان و زنان شاغل در کارهای دولتی نسبت به افراد شاغل در محیط‌های خصوصی گذار سریع‌تری را برای ازدواج دارند که این تغییرات در تمامی فصل‌ها و دوره‌ها ملاحظه می‌گردد.

هیپن^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «نگرش به ازدواج و روابط بلند مدت در میان بزرگسالان» به دنبال دستیابی به علل تاخیر سن ازدواج بود. یافته‌ها نشان داد که تاخیر در ازدواج با عواملی مانند رشد اقتصادی و تغییر در ارزش‌های فرهنگی ارتباط معناداری دارد. نتایج تحقیق نشان داد که امروزه ازدواج تا زمانی که افراد تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان برسانند و در شغلی استخدام شوند و استقلال مالی بدست بیاورند به تاخیر خواهد افتاد. هیپن این نتایج را ناشی از گذار دوم جمعیت شناختی که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود می‌داند و به عواملی چون شریک جنسی، جنس، اشتغال زنان، ساختار خانواده، دسترسی به امکانات آموزشی و نژاد به عنوان عناصر تاثیرگذار در نگرش جوانان به ازدواج و تاخیر افتادن آن اشاره می‌کند.

مائو بریگاس^۲ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان ارتباط بین سن زنان در هنگام ازدواج و پیشرفت‌های اقتصادی به بررسی الگوهای ازدواج در هشت کشور آمریکایی لاتین پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که یک سو افزایش تحصیلات و در نهایت ورود به بازار کار بویژه برای زنان عاملی اثرگذار در افزایش چشمگیر سن ازدواج است و از سوی دیگر، گسترش روزافزون فرایند شهرنشینی، رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید موجب بالا رفتن سن ازدواج در زنان شده است.

ماکیکو^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین منابع اقتصادی زنان (اشتغال تمام وقت، تحصیلات و درآمد) با نگرش به ازدواج در ۳۱ کشور پرداخت. حجم نمونه در این پژوهش ۱۴۸۲۷ نفر تعیین و داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که استقلال اقتصادی زنان به خودی خود جذابیت ازدواج را کاهش نمی‌دهد، اما ناسازگاری بین کار و زندگی خانوادگی آرمان ازدواج زنان را کاهش می‌دهد و همین مسئله باعث افزایش سن ازدواج خواهد شد. براساس مرور مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که سن قصد شده ازدواج به لحاظ اجتماعی به صورت دقیق و منسجم مطالعه نشده است و اکثر تحقیقات داخلی نیز مقطعی و در محیط دانشگاهی بوده و مطالعاتی که در زمینه ازدواج صورت گرفته‌اند کمتر به بحث سن قصد شده ازدواج

^۱ Hippen

^۲ Maubrigades

^۳ Makiko

معطوف بوده‌اند، از این‌رو در این پژوهش تلاش می‌شود به جنبه‌های متفاوتی از بحث سن قصد شده ازدواج پرداخته شود.

مبانی و چارچوب نظری

رویکردهای نظری متنوعی در تبیین و تاخیر در سن ازدواج مطرح شده است. یکی از نظریه‌هایی که ارتباط مستقیمی با مسئله ازدواج دارد، تئوری نوسازی است. نظریه نوسازی که بر پایه ترکیب مدل‌های مفهومی دو نظریه جامعه‌شناختی یعنی نظریه تکاملی قرن نوزدهم و نظریه کارکردگرایی - ساختی قرن بیستم بسط و گسترش یافته، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات در نظام خانواده بویژه سن ازدواج را تشکیل می‌دهد (توده‌فلاح و کاظمی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱۳). فرایند نوسازی با ترجیح خانواده هسته‌ای و فرد محور در مقابل زندگی‌های خانواده محور به بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالا را تشویق می‌کند. بدین معنی که بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده مانند تصمیم‌گیری در مورد ازدواج توسط خود فرد اتخاذ می‌شود. این ازدواج‌ها با انتخاب آزاد معمولاً با سنین بالاتر همبسته‌اند (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۳۴).

مک‌دونالد^۱ (۲۰۰۶) در قالب تئوری نوسازی بازاندیشانه معتقد است که اگرچه فرایند نوسازی آزادی و استقلال بیشتری را برای افراد به ارمغان آورده، لیکن آنها را در اطمینان بیشتر نسبت به آینده مواجه ساخته است، بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و با ثبات و توانایی بر عهده گرفتن خانواده را نداشته باشند ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد. طبق این تئوری، فرایند مدرنیزاسیون موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات می‌گردد. تحت تاثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته، سرانجام به سمت مدل جهان شمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱).

در چارچوب این تئوری افزایش آموزش یکی از نتایج نوسازی است که سهم مهمی را در تبیین تحولات تشکیل خانواده دارد. افزایش تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج نظیر، ترجیحات شغلی و انتخاب شغل و کسب درآمدی که اطمینان خاطر را برای ازدواج افراد بوجود می‌آورد، به دنبال دارد. تاثیر افزایش تحصیلات بر ازدواج در کشورهای مختلف و همچنین ایران

¹ Mc Donald

مستند شده است (هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۹۰؛ مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱؛ سرایی و اوجاقلو، ۱۳۹۲؛ رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد ۱۳۹۶؛ نیکخواه، ۱۳۹۵؛ صباغچی و همکاران، ۱۳۹۶؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، آموزش مهمترین کانال تغییر نگرشی نیز محسوب می‌شود؛ یعنی با قرار دادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید هم می‌تواند زمینه‌ساز تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها شود و هم اینکه مستقیماً ارزش‌ها، نگرش‌ها و عقاید را به سوی یافتن مشاغل بالاتر و سوق دادن به سمت ازدواج در سن بالاتر می‌دهد. توسعه آموزش همگانی و پیشرفت تحصیلی در نگرش‌های زناشویی به ویژه از نظر آمادگی زناشویی، انتظارات سنی و تمایل به ازدواج نقش دارند. بسیاری از بزرگسالان به جای ازدواج اولویت بیشتری را برای افزایش پیشرفت تحصیلی قائل می‌شوند و اتمام تحصیلات را به عنوان یک نیاز برای آمادگی زناشویی در نظر می‌گیرند (عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۹۵؛ باربر و اکسین^۱ ۱۹۹۸؛ کارول و همکاران ۲۰۰۷، ۲۰۰۹؛ گاسانوف و همکاران ۲۰۰۸؛ سالسر و شون ۱۹۹۹؛ ویلوگی ۲۰۱۰).

نظریه مهم دیگری که می‌توان در تبیین مسئله افزایش سن ازدواج به آن اشاره نمود تئوری تورم رکودی است. تئوری تورم رکودی تاخیر در سن ازدواج را با اوضاع نابسامان اقتصادی تبیین می‌کند. در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تاخیر می‌افتد و یا منتفی می‌شود. بدین صورت که افزایش بیکاری، تورم، قیمت اجاره مسکن و خرید آن و هزینه‌های هنگفت ازدواج فرد را به این نتیجه می‌رساند که هنوز برای تشکیل خانواده آمادگی کافی ندارد و این امر را به سال‌های آتی موکول می‌کنند (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۸). بروز انواع بحران‌های سیاسی و اقتصادی و شاخص‌های تورم رکودی نظریه نقدینگی، تورم، رکود، کاهش حجم تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات اثرات منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته است و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سر راه ازدواج جوانان قرار داده است (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۴).

از دیگر نظریه‌های مطرح در حوزه ازدواج، تئوری هزینه-فرصت می‌باشد. در نظریه هزینه-فرصت که هابرلر^۲ در سال ۱۹۳۶ مطرح شده عنوان می‌کند، انتخابگر پیش از آنکه تصمیم بگیرد در ذهن خود فرصتهایی را ارزیابی می‌کند که با این تصمیم از دست خواهد داد. بنابراین، این ارزیابی ذهنی و محاسبه هزینه - فرصت بر تصمیم‌گیری فرد مقدم و به نوعی تعیین کننده نوع نگاه و نگرش فرد در امور مختلف و از جمله ازدواج و اشتغال است. براساس این نظریه جوانان برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالاتر سعی می‌کنند ازدواج خود را به تاخیر بیندازند، همچنین افراد محاسبه می‌کنند که چه بدست می‌آورند و در مقابل چه چیز از دست خواهند داد (نیکخواه، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

¹ Barber and Axinn

² Haber ler

یکی دیگر از تئوری‌های مطرح شده در بحث ازدواج را می‌توان تئوری دسترسی، امکان، تمایل دانست. دیکسون^۱ با طرح این نظریه بر سه متغیر دسترسی، امکان و تمایل تاکید دارد و چنین می‌پندارد که این سه متغیر، اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج را تعدیل می‌بخشند. برابر این نظریه:

- متغیر «دسترس» بوسیله توازن نسبت سنی- جنسی افراد در سن ازدواج و روشهای انتخاب همسر تعیین می‌شود. طبق نظر او، جایی که عدم توازن جدی در نسبت سنی- جنسی جمعیت در سن ازدواج وجود دارد، برخی از ازدواج‌ها با تاخیر مواجه هستند و جایی که افراد جوان برای انتخاب همسر آزادی دارند ازدواج‌ها نسبت به جایی که همسر از سوی والدین انتخاب می‌شود، ازدواج دیرتر اتفاق می‌افتد.

- متغیر «امکان»، مربوط به وضعیت اجتماعی و اقتصادی می‌شود که برای زوج‌های جوان برای تشکیل خانواده ضروری است. همچنین در نواحی شهری به دلیل تاکید اساسی بر مسئولیت‌های فرد قبل از ازدواج و نیاز به توسعه و کسب مهارت‌ها و بدست آوردن تجربه برای اداره یک خانواده مستقل، ازدواجشان نسبت به نواحی روستایی به تاخیر می‌افتد.

- متغیر «تمایل»، از سوی فشار اجتماعی که شامل پاداش اجتماعی از قبیل عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی و مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا تجرد قطعی از یک سن معین به بالا برای ازدواج تعریف شده است. چنانچه پاداش اجتماعی برای تجرد در سن معین بیشتر از مجازات آن باشد، یقیناً ازدواج با تاخیر صورت می‌گیرد (هزار جریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷).

از دیگر تئوری‌های مرتبط با موضوع پژوهش، تئوری دگرگونی ارزشی اینگلهارت^۲ می‌باشد. او در این تئوری بیان می‌نماید که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسان‌ها رخ داده است، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی می‌باشد. اینگلهارت طی مطالعات خود نشان می‌دهد که دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید حاکی از تحول فرهنگی است. در این تحول، کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی، برجستگی بیشتر در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی دارد و اکنون این دگرگونی‌های فرهنگی هستند که مسیر جوامع صنعتی را هدایت می‌کند. اینگلهارت بیان می‌کند که با جایگزینی نسل جدید در آینده، نوعی جابجایی به سوی اولویت‌های ارزشی فرامادی روی خواهد داد. (اینگلهارت ۱۳۸۷: ۱۳۸۹).

¹ Ruth Dixon

² Englehart.

براساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده فیش بین و آیزن (۲۰۱۱) و تحقیقات ازدواج، می‌توان اظهار داشت که نگرش‌ها و باورها بر قصد ازدواج اثر گذار هستند و قصد ازدواج بر رفتار واقعی پیرامون ازدواج و روابط بلندمدت تأثیر می‌گذارد و به پیش‌بینی آن‌ها کمک می‌کند. لذا در مطالعات متعددی نگرش به ازدواج به عنوان یک تعیین کننده قصد ازدواج مورد توجه قرار گرفته است (کلارکبرگ و همکاران^۱ ۱۹۹۵؛ کارول و همکاران ۲۰۰۷، ۲۰۰۹؛ ویلوگی^۲ ۲۰۱۰). نگرش‌های مختلف نسبت به ازدواج بسیار مهم است زیرا بر رفتارهای آینده تأثیرگذار است (فیش بین و آیزن ۲۰۱۱).

نگرش به ازدواج جوانان نیز برحسب جنس، ساختار خانواده، میزان تحصیلات و آرزوها و نژاد متفاوت است. زنان معمولاً نسبت به مردان نگرش مثبت تری نسبت به ازدواج دارند (بلک مور و همکاران^۳ ۲۰۰۵؛ کارول و همکاران ۲۰۰۷؛ شورتر و میر ۲۰۱۲؛ ویلوگی و دورکین ۲۰۰۹، ویلوگی ۲۰۱۰). علاوه بر این، نگرش‌های زناشویی بر اساس ساختار خانواده متفاوت است. فرزندان خانواده‌های مطلقه، در مقایسه با خانواده‌های دائماً متاهل، بیشتر احتمال دارد پیام‌های منفی در مورد ازدواج بشنوند و بنابراین نگرش منفی بیشتری نسبت به ازدواج دارند. با این حال، آن‌ها به احتمال زیاد ازدواج را به طور کامل کنار نمی‌گذارند و ازدواج مجدد والدین تأثیر منفی طلاق والدین را بر نگرش‌های زناشویی فرزندان کاهش می‌دهد (آکسین و تورنتون ۱۹۹۶؛ شورتر و میر ۲۰۱۲؛ سیمونز و همکاران^۴ ۲۰۱۳). فرزندان خانواده‌های متاهل دائماً نسبت به فرزندان خانواده‌های تک والدین متعهدتر به ازدواج هستند. فرزندان خانواده‌های تک والدین و خانواده‌های ترکیبی (یعنی ازدواج مجدد) احتمالاً به دلیل افزایش تجارب درگیری زناشویی والدین بیشتر احتمال دارد برای ازدواج احساس آمادگی نکنند (اسپکتر و همکاران^۵ ۲۰۰۳؛ سیمونز و همکاران ۲۰۱۳).

براساس تئوری‌های مطرح شده و مطالعات تجربی انجام گرفته متغیرهای پژوهش برابر جدول زیر مشخص و ارتباط آن با نظریه‌های مرتبط نیز در جدول شماره ۱ قابل مشاهده می‌باشد. مطالعات داخلی نشان می‌دهد که عوامل متنوعی با توجیه سن قصد شده ازدواج در ارتباط است: مدرک تحصیلی، تحصیلات والدین، فقر اقتصادی، کلیشه‌های جنسی، سن، درآمد والدین، طبقه اقتصادی-اجتماعی، تضاد نقش‌ها، خانواده و شبکه روابط اجتماعی. در مجموع با در نظر داشتن نظریات و تحقیقات ذکر شده مطالعه حاضر فرضیاتی را در مورد ارتباط میان متغیرهای مستقلی نظیر طبقه اجتماعی، پایبندی دینی، تحصیلات، سابقه کار، جنیست، هدایت خانواده و دوستان و رسانه، با متغیر تابع یعنی سن قصد شده ازدواج آزمون می‌کند.

¹ Clarkberg et al

² Willoughby

³ Blakemore

⁴ Simons, Burt, and Tambling

⁵ Martin et al

جدول ۱. متغیرهای مورد استفاده و نظریات مرتبط با آن

متغیر	نظریه
سن قصدشده ازدواج و سن مطلوب ازدواج	تئوری تورم رکودی، تئوری دست‌رسی امکان تمایل، تئوری انتخاب عقلانی، تئوری هزینه-فرصت، تئوری نوسازی و مدرنیزاسیون
تحصیلات، جنس و سابقه کار	تئوری نوسازی و مدرنیزاسیون، تئوری انتخاب عقلانی، تئوری رفتار برنامه ریزی شده
هدایت خانواده و دوستان، رسانه، طبقه اجتماعی-اقتصادی و پایبندی دینی	تئوری نوسازی و مدرنیزاسیون، تئوری دست‌رسی امکان تمایل و تئوری دگرگونی ارزشی

روش‌شناسی

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، از طریق یک پیمایش مقطعی در سال ۱۳۹۹ در شهر اصفهان (بختیاری ۱۳۹۹) گردآوری شده است. نمونه آماری پژوهش، جوانان ۱۸-۳۵ ساله بوده‌اند که تعداد آن‌ها براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ برابر ۱۶۲۹۴۷۵ نفر گزارش شده و ۳۱/۵ درصد از جمعیت کل را تشکیل می‌دهند. از این‌رو با توجه به این‌که اکثر جوانان این گروه سنی درگیر مسئله ازدواج هستند، جوانان ۱۸-۳۵ ساله بعنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد که برای جلوگیری از خطاهای احتمالی تعداد ۴۰۰ نفر از ساکنین مناطق به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و سهمیه‌ای متناسب با حجم، در ۱۵ منطقه بر اساس بلوک‌ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته است. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری مقایسه میانگین (آزمون تی و تحلیل واریانس یک طرفه)، محاسبه ضریب همبستگی (پیرسون و اسپیرمن) و رگرسیون استفاده شده است. متغیر وابسته، سن قصد شده ازدواج و متغیرهای مستقل (تحصیلات، جنس، هدایت خانواده و دوستان، مصرف رسانه، سابقه کار، پایبندی دینی و طبقه اجتماعی-اقتصادی) است که به تعریف آن‌ها پرداخته می‌شود.

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرها

سن قصد شده ازدواج^۱: سنی که زن یا مرد تصمیم گرفته اند در آن سن ازدواج کنند را نشان می‌دهد. این متغیر با پرسش از پاسخگویان در مورد اینکه شما قصد دارید در چه سنی ازدواج کنید (یعنی با در نظر گرفتن تمام جوانب زندگی خود در چه سنی تصمیم دارید ازدواج کنید) مورد سنجش قرار گرفت.

^۱ Age of intention to marry

سن مطلوب ازدواج^۱: سنی است که افراد آن را به لحاظ فردی، اجتماعی و یا عرفی مطلوب می‌دانند. در این مطالعه از پاسخگویان سوال شد که مناسبترین زمان برای ازدواج شما چه موقع می‌باشد؟ علاوه بر آن در قابل یک سوال دیگر نیز نگرش پاسخگویان در مورد سن مطلوب ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. گزینه‌های مربوط به این پرسش عبارتند از بعد از سن تکلیف، بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی، بعد از یافتن شغل مناسب، بعد از یافتن تمکن مالی، بعد از اتمام سربازی، نمی‌دانم و برنامه‌ای ندارم.

پایبندی دینی^۲: در این مطالعه، از افراد در خصوص رفتارهای خود در مورد مسائل مذهبی سوال شد و ۸ گویه از احکام و مناسک دینی شامل: نمازهای یومیه، نماز جماعت، روزه ماه رمضان، نذر و صدقه، زیارت امامزادگان و خواندن دعا، رعایت حلال و حرام در زندگی، توسل به خدا و ائمه، در سطح سنجش فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت (هیچ وقت، به ندرت، گاهی، بیشتر اوقات، همیشه) با کدهای پاسخ ۱ تا ۵ آورده شده و در پایان از فرد پرسیده شده که تا چه حد خود را یک فرد مذهبی می‌داند (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد). پس از بررسی پایایی گویه‌ها می‌بایست حاصل جمع نمرات آن‌ها را به عنوان شاخص پایبندی به مناسک دینی در نظر گرفت. مقدار این شاخص بین ۴۵-۹ است مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹۴ است.

هدایت خانواده^۳: برای شناسایی میزان تاثیر هدایت خانواده در نوع تفکر جوانان در مورد سن ازدواج، میزان تاثیر خانواده در سن ازدواج با گویه‌هایی چون؛ میزان مشورت فرد با خانواده در مورد انتخاب همسر، میزان حساسیت خانواده در مورد همسر، بررسی میزان حق دخالت خانواده در انتخاب همسر افراد و میزان آزادی افراد در انتخاب همسر، عملیاتی و مورد سنجش قرار گرفت و با استفاده از طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) با کدهای ۱ تا ۵ اندازه‌گیری شده است. پس از بررسی آلفای گویه‌ها و سنجش پایایی آن حاصل جمع نمرات آن‌ها به عنوان شاخص هدایت خانواده در نظر گرفته شد. مقدار این شاخص بین ۸ تا ۴۰ قرار دارد و پاسخگویی که نمره بالاتر بگیرد خانواده در سن قصد شده ازدواج او موثرتر خواهد بود مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۹۶ به دست آمد.

هدایت دوستان^۴: جهت عملیاتی کردن این متغیر از گویه‌هایی چون؛ میزان اهمیت مشورت با دوستان در انتخاب همسر، بررسی میزان اهمیت نظر دوستان راجع به انتخاب همسر، میزان تقلید از دوستان در انتخاب همسر عملیاتی و مورد سنجش قرار گرفت. این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای

¹ The optimal age for marriage

² Religious commitment

³ Family guidance

⁴ friends guidance

و با استفاده از طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) با کدهای ۱ تا ۵ اندازه‌گیری شده است. پس از بررسی آلفای گویه‌ها و سنجش پایایی آن حاصل جمع نمرات آن‌ها به عنوان شاخص هدایت دوستان در نظر گرفته شد. مقدار این شاخص بین ۳۰-۶ قرار دارد. پاسخگویی که نمره بالاتر بگیرد، دوستان در سن قصد شده ازدواج او تاثیر بیشتری دارد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۹۶ محاسبه گردید.

طبقه اجتماعی و اقتصادی^۱: در سنجش این متغیر شاخص‌هایی چون میزان درآمد افراد و سرپرست خانوار، منطقه محل زندگی، نوع منزل مسکونی و مالکیت خودرو مورد توجه قرار گرفت. مقدار این شاخص بین ۳۰-۶ قرار دارد. پاسخ‌گویی که نمره بالاتر بگیرد دارای طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر می‌باشد مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این شاخص (۰/۷۴۵) است که نشان می‌دهد پایایی قابل قبولی دارد.

سابقه کار^۲: سابقه کار افراد بر حسب تعداد ماه‌های که فرد مشغول آن بوده است مورد سنجش قرار گرفت.

مصرف رسانه^۳: جهت عملیاتی شدن این متغیر از افراد سوال شده است که به‌طور میانگین در طول شبانه روز چقدر وقت خود را به خواندن روزنامه، مجلات و مطالعه و چقدر به دیدن برنامه‌های تلویزیون، استفاده از اینترنت، کلاس‌های آموزشی، ورزشی و فعالیت‌های هنری اختصاص می‌دهند. برای به‌دست آوردن اعتبار^۴ نیز نخست سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند از گویه‌های تحقیقات پیشین که زیر نظر اساتید مجرب، استفاده و اجرا شده‌اند استخراج شود و برای انتخاب بهترین گویه‌ها برای متغیرهای جدید از نظرات محققین و اساتید دیگر استفاده گردد. در نهایت، یک‌بار دیگر پرسش‌نامه تدوین شده را به اساتید و متخصصان نشان داده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسش‌نامه کمک گرفته شد. بدین ترتیب پرسش‌نامه این تحقیق از نوعی اعتبار محتوایی برخوردار است. برای آزمون پایایی پرسش‌نامه، با استفاده از داده‌های آزمون مقدماتی (پیش آزمون)، میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به صورت سازه تهیه شده بود محاسبه گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Socio-economic class

² Work experience

³ Media consumption

⁴ Validity

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیت نمونه

در نمونه مورد مطالعه، ۵۳/۸ درصد مرد و ۴۶/۲ درصد زن بوده‌اند. میانگین سن مردان ۲۳/۴ سال و میانگین سن دختران ۲۴/۹۸ می‌باشد و ۳۶ درصد پاسخ‌گویان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند و میانگین تعداد اعضاء خانوار نیز عدد ۴/۷۶ می‌باشد و ۴۳/۸ درصد پاسخ‌گویان خود را در طبقه متوسط اجتماعی-اقتصادی ارزیابی نمودند و ۴۶/۷ درصد آنان فاقد درآمد بودند. پس از بررسی یافته‌ها مشخص گردید ۴۲/۲ درصد دختران و ۱۵/۳ درصد پسران هیچ‌گونه سابقه کاری نداشته و میانگین کل سابقه کاری پاسخ‌گویان ۲/۲۹ سال می‌باشد. در خصوص اهمیت مشورت با خانواده در مورد ازدواج ۷۶/۲ درصد پاسخ‌گویان مشورت با خانواده را در مورد ازدواج مهم ارزیابی نموده‌اند و ۷۴/۲ درصد پاسخ‌گویان اظهار نموده‌اند که خانواده آنان نسبت به ازدواج‌شان حساسیت بالایی دارند، همچنین ۵۹ درصد پاسخ‌گویان به این‌که خانواده در مورد ازدواج آنان حق دخالت و اعمال نظر دارد اشاره نموده‌اند و ۶۶/۸ درصد پاسخ‌گویان اظهار دارند که در انتخاب همسر آزادی عمل و حق انتخاب با خود آنان می‌باشد. همچنین پس از بررسی میزان اهمیت مشورت با دوستان در مورد ازدواج نیز ۵۹/۳ درصد پاسخ‌گویان مخالف با مشورت با دوستان در مورد ازدواج می‌باشند و ۵۳/۳ درصد پاسخ‌گویان نظر دوستان خود راجع به ازدواج خود کم‌اهمیت می‌دانند و ۶۲/۸ درصد پاسخ‌گویان از دوستان خود در انتخاب همسر تقلید نمی‌کنند. از نظر دختران مناسب‌ترین زمان برای ازدواج بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی، سپس بعد از تمکن مالی و بعد از یافتن شغل عنوان شده است. در خصوص پسران پاسخ‌گو نیز مناسب‌ترین زمان برای ازدواج پس از یافتن شغل و سپس بعد از تمکن مالی عنوان نموده‌اند.

آمارهای توصیفی متغیرها

حداقل و حداکثر سن ازدواج مناسب: جدول ۲ نگرش پاسخ‌گویان را در مورد حداقل و حداکثر سن مطلوب ازدواج را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود زنان به‌طور میانگین حداقل سن ازدواج برای مردان را ۲۶/۲۷ سالگی و حداکثر سن ازدواج برای مردان ۳۲/۳۶ سالگی است و میانگین حداقل سن ازدواج برای زنان ۲۳ سالگی و حداکثر سن ازدواج برای دختران ۲۸/۸ سالگی است. از نظر پاسخ‌گویان پسر میانگین، حداقل سن ازدواج برای یک پسر ۲۳/۸ سالگی و حداکثر آن ۲۹/۵ سالگی و میانگین حداقل سن ازدواج برای یک دختر ۲۰/۲ سالگی و حداکثر آن ۲۵/۸ است.

جدول ۲. جدول توصیفی نگرش پاسخ‌گویان در مورد حداقل و حداکثر سن مطلوب ازدواج جوانان، شهر اصفهان، ۱۳۹۹

عنوان	پاسخ‌گویان دختر			پاسخ‌گویان پسر			
	نما	میانه	میانگین	تعداد نمونه	نما	میانه	میانگین
حداقل سن ازدواج مردان	۲۵	۲۵	۲۷/۲۶	۱۸۵	۲۵	۲۴	۲۳/۸۰
حداکثر سن ازدواج مردان	۳۰	۳۰/۶	۳۲/۳۶	۱۸۵	۳۰	۳۰	۲۹/۲۹
حداقل سن ازدواج زنان	۲۳	۲۵	۲۳/۰۰	۱۸۵	۲۰	۲۰	۲۰/۱۸
حداکثر سن ازدواج زنان	۳۰	۲۹	۲۸/۸۵	۱۸۵	۲۵	۲۵	۲۵/۷۷

سن قصد شده ازدواج پاسخ‌گویان: جدول ۳ سن قصد شده ازدواج پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد، بر طبق جدول سن ۲۸/۲ سالگی میانگین سن قصد شده ازدواج برای پسران و سن ۲۶/۶ میانگین سن قصد شده برای ازدواج دختران است. نتایج حاکی از این است که سن قصد شده ازدواج در مطالعه حاضر هم برای دختران و هم پسران از سن مناسب و یا مطلوب برای ازدواج بالاتر است و لذا شکاف قابل توجهی در نگرش و قصد ازدواج وجود دارد، و می‌توان چنین استنباط کرد که شکاف موجود بیانگر ناخواسته بودن تاخیر در ازدواج جوانان است.

جدول ۳. سن قصد شده ازدواج پسران و دختران در شهر اصفهان، ۱۳۹۹

عنوان	نما	میانه	کشیدگی	چولگی	واریانس	خطای استاندارد	میانگین	تعداد نمونه
سن قصد شده ازدواج مردان	۳۰	۲۸	۰/۸۶۳	۰/۷۳۵	۱۶/۴۱	۴/۰۵	۲۸/۲۰	۲۱۵
سن قصد شده ازدواج زنان	۲۵	۲۶	۰/۷۲۴	۰/۶۴۷	۱۷/۹۵	۴/۲۳	۲۶/۶۳	۱۸۵

یافته‌های تبیینی

جدول ۴، براساس آزمون تحلیل واریانس به ارزیابی تفاوت در میانگین سن قصد شده ازدواج در بین سطوح مختلف تحصیلی پرداخته است. براساس نتایج، کمترین میانگین سن قصد شده ازدواج مربوط به گروه‌هایی است که پایین‌ترین تحصیلات را دارند و به موازات افزایش تحصیلات، میانگین سن قصد شده ازدواج نیز روبه افزایش می‌گذارد. همچنین براساس نتایج، تفاوت‌های معناداری در میانگین سن قصد شده ازدواج هر دو جنس برحسب سطوح تحصیلی وجود دارد. پس از بررسی

نتایج آزمون توکی نیز مشخص شد که اختلاف میانگین دو مقطع تحصیلی دبیرستان و پایین‌تر و کارشناسی ارشد و بالاتر در پسران معنادار بوده همچنین اختلاف میانگین دو مقطع تحصیلی دبیرستان و پایین‌تر و کارشناسی ارشد و بالاتر در دختران نیز معنادار است.

جدول ۴. آزمون تحلیل واریانس تحصیلات و سن قصد شده ازدواج پاسخ‌گویان

آزمون تحلیل واریانس تحصیلات و سن قصد شده ازدواج دختران				
مقطع تحصیلی	تعداد	میانگین	نتیجه آزمون	
دبیرستان و پایین‌تر	۱۷	۲۵/۰۱	Levene= $0/708$	
دیپلم و پیش‌دانشگاهی	۵۲	۲۶/۷۰	Sig Levene= $0/666$	
کاردانی	۲۴	۲۶/۷۹	F= $2/43$	
کارشناسی	۶۸	۲۶/۴۵	Sig F= $0/045$	
کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۴	۳۰/۰۱	Sig tukey= $0/049$	
آزمون تحلیل واریانس تحصیلات و سن قصد شده ازدواج پسران				
مقطع تحصیلی	تعداد	میانگین	نتیجه آزمون	
دبیرستان و پایین‌تر	۲۸	۲۶/۵۰	Levene= $0/714$	
دیپلم و پیش‌دانشگاهی	۷۰	۲۸/۵۵	Sig Levene= $0/660$	
کاردانی	۲۲	۲۸/۱۳	F= $2/61$	
کارشناسی	۷۶	۲۹/۱۹	Sig F= $0/013$	
کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۹	۲۹/۷۳	Sig tukey= $0/041$	

جدول ۵، رابطه برخی دیگر از متغیرهای مستقل مانند پایبندی دینی، هدایت خانواده، هدایت دوستان، مصرف رسانه، طبقه اجتماعی-اقتصادی و سابقه کار را با سن قصد شده ازدواج جوانان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بر اساس نتایج متغیرهای طبقه اجتماعی-اقتصادی، پایبندی دینی، هدایت دوستان و سابقه کار با سن قصد شده ازدواج دختران همبستگی معنادار دارند یعنی با یک واحد تغییر در متغیرهای پایبندی دینی، سابقه کار، هدایت دوستان و طبقه اجتماعی-اقتصادی سن قصد شده ازدواج آنان نیز یک واحد تغییر می‌یابد و متغیرهای طبقه اجتماعی-اقتصادی، پایبندی دینی و سابقه کار با سن قصد شده ازدواج پسران همبستگی معنادار دارند یعنی با یک واحد تغییر در متغیرهای پایبندی دینی، سابقه کار و طبقه اجتماعی-اقتصادی سن قصد شده ازدواج آنان نیز یک واحد تغییر می‌یابد و البته متغیرهای پایبندی دینی، هدایت دوستان و طبقه اجتماعی-اقتصادی دارای همبستگی معکوس با سن قصد شده ازدواج هستند، یعنی هرچه میزان پایبندی دینی افراد بالاتر باشد و هرچه طبقه اجتماعی-اقتصادی آنان

بالتر باشد سن قصد شده ازدواج کاهش می‌یابد و هرچه میزان مشورت با دوستان بیشتر باشد در دختران سن قصد شده ازدواج کاهش می‌یابد. در مورد متغیرهای هدایت خانواده و مصرف رسانه ضرایب به عدم معناداری و عدم وجود همبستگی معنادار دلالت دارد و متغیر هدایت دوستان در پسران نیز غیرمعنادار گردید.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل با سن قصد شده ازدواج

نوع متغیر	مردان		زنان		نتیجه آزمون
	Sig	همبستگی	Sig	همبستگی	
پای‌بندی دینی	۰/۱۸۱-	۰/۰۱۳	معنادار	۰/۲۰۱-	۰/۰۰۳
هدایت خانواده	۰/۰۵۷-	۰/۴۴۱	عدم معنادار	۰/۰۴۵	۰/۵۱۲
هدایت دوستان	۰/۲۷۰-	۰/۰۰۰	معنادار	۰/۰۹۴-	۰/۱۶۸
طبقه اجتماعی-اقتصادی	۰/۱۲۸-	۰/۰۱۵	معنادار	۰/۱۴۱-	۰/۰۴۶
سابقه کار	۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	معنادار	۰/۱۴۷	۰/۰۴۷
مصرف رسانه	۰/۱۲۵-	۰/۰۹۱	عدم معنادار	۰/۰۰۸-	۰/۹۰۹

نتایج آزمون‌های دو متغیره نشان داد که متغیرهای سابقه کار، طبقه اجتماعی-اقتصادی، پایبندی دینی، هدایت دوستان و تحصیلات متغیر سن قصد شده ازدواج رابطه‌ی معنادار دارند. به همین منظور تلاش شد با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیونی چند متغیره اثر همزمان متغیرها بررسی شود لذا کلیه متغیرها بصورت همزمان وارد تحلیل رگرسیونی شدند که نتایج در جدول ۶ قابل مشاهده می‌باشد.

پس از ورود تمامی متغیرهای اثرگذار بر متغیر سن قصد شده ازدواج در معادله رگرسیونی مشخص گردید در دختران متغیرهای پای‌بندی دینی، سابقه کار و هدایت دوستان با سن قصد شده ازدواج دارای رابطه معنادار می‌باشند که متغیرهای هدایت دوستان و پای‌بندی دینی دارای رابطه معکوس با سن قصد شده ازدواج هستند و متغیر سابقه کار دارای رابطه مثبت و مستقیم با سن قصد شده ازدواج دارد و دو متغیر طبقه اجتماعی-اقتصادی و تحصیلات وقتی بصورت همزمان وارد مدل رگرسیونی گردید غیرمعنادار شد و در واقع این متغیرها در تحلیل چند متغیری اثرگذاری خود را از دست دادند.

جدول ۶. تحلیل رگرسیونی متغیرهای اثرگذار بر سن قصد شده ازدواج پاسخ‌گویان

تحلیل رگرسیونی متغیرهای اثرگذار بر سن قصد شده ازدواج دختران						
متغیر	همبستگی	B	Beta	ضریب تبیین	t	Sig
پای‌بندی دینی	-۰/۱۸۱	-۰/۰۹۸	-۰/۱۰۷	۰/۰۳۲	۱/۹۸	۰/۰۴۸
سابقه کار	۰/۴۱۳	۰/۶۹۱	۰/۳۶۲	۰/۱۷۰	۵/۳۱	۰/۰۰۰
طبقه اجتماعی-اقتصادی	-۰/۰۰۹	-۰/۰۷۹	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۱	۰/۴۱۹	۰/۶۷۶
تحصیلات	۰/۱۴۹	۰/۲۲۷	۰/۰۹۷	۰/۰۲۲	۱/۲۷	۰/۲۰۴
هدایت دوستان	-۰/۲۷۰	-۰/۲۵۴	۰/۲۱۸	۰/۰۷۲	۳/۲۵	۰/۰۰۱
تحلیل رگرسیونی متغیرهای اثرگذار بر سن قصد شده ازدواج پسران						
پای‌بندی دینی	-۰/۲۰۱	-۰/۱۵۰	-۰/۲۳۲	۰/۰۴۱	۳/۵۶	۰/۰۰۰
سابقه کار	۰/۰۴۷	۰/۰۵۲	۰/۰۳۰	۰/۰۰۲	۰/۴۶۷	۰/۶۴۱
طبقه اجتماعی-اقتصادی	-۰/۱۲۱	۰/۱۸۳	-۰/۱۹۷	۰/۰۱۵	۳/۰۳	۰/۰۰۳
تحصیلات	۰/۲۷۱	۰/۱۶۳	۰/۲۹۸	۰/۰۷۴	۴/۶۴	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیونی و تشخیص میزان ارتباط میان متغیر وابسته سن قصد شده ازدواج دختران و متغیرهای مستقل پای‌بندی دینی، سابقه کار و هدایت دوستان نشان می‌دهد که میزان همبستگی متغیرهای وابسته این بخش با متغیر مستقل برابر با ($F=0.493$) و ضریب تبیین برابر $24/3$ درصد می‌باشد، یعنی $24/3$ درصد سن قصد شده ازدواج دختران به واسطه متغیرهای (پای‌بندی دینی، سابقه کار و هدایت دوستان) تبیین می‌گردد و با توجه به مقدار ($F=11.51$) و ($sig=.000$) می‌باشد، مدل رگرسیونی مورد تایید قرار گرفته است.

در پسران نیز متغیرهای ای‌بندی دینی، تحصیلات و طبقه اجتماعی-اقتصادی با سن قصد شده ازدواج دارای رابطه معنادار می‌باشند که متغیرهای طبقه اجتماعی-اقتصادی و پای‌بندی دینی دارای رابطه معکوس با سن قصد شده ازدواج هستند و متغیر تحصیلات دارای رابطه مثبت و مستقیم با سن قصد شده ازدواج دارد و متغیر سابقه کار وقتی به صورت همزمان وارد مدل رگرسیونی گردید غیرمعنادار شد و در واقع این متغیر در تحلیل چند متغیری اثرگذاری خود را از دست داد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی میزان همبستگی متغیر وابسته سن قصد شده ازدواج با متغیر مستقل برابر با ($F=0.390$) و ضریب تبیین بیانگر این است که $15/2$ درصد سن قصد شده ازدواج به واسطه متغیرهای تحصیلات، طبقه اجتماعی-اقتصادی و پای‌بندی دینی تبیین می‌گردد و با توجه به مقدار ($F=9.44$) و ($sig=.000$)، رگرسیون مورد تایید قرار گرفت.

نکته قابل ذکر این‌که متغیرهایی نظیر میزان پای‌بندی دینی، هدایت دوستان و طبقه اجتماعی - اقتصادی رابطه‌ای معکوس با متغیر سن قصد شده ازدواج دارد یعنی هر چقدر میزان پای‌بندی دینی افراد بالاتر باشد سن قصد شده ازدواج آنان کاهش می‌یابد. از سوی دیگر هرچه وضعیت اجتماعی - اقتصادی افراد ضعیف‌تر باشد سن قصد شده ازدواج آنان افزایش می‌یابد و با افزایش طبقه اقتصادی - اجتماعی، سن قصد شده ازدواج کاهش می‌یابد که علت این مسئله به سهولت انجام مراسم ازدواج برای طبقات مرفه‌تر جامعه نسبت به طبقات کم برخوردار از منابع مالی باز می‌گردد، زیرا در شرایط فعلی حاکم بر جامعه بزرگترین دغدغه جوانان برای ورود به دنیای متاهلی مسئله تامین مالی انجام مراسم ازدواج و در اختیار داشتن مسکن مستقل است. متغیرهای تحصیلات و سابقه کار دارای رابطه‌ای مستقیم و مثبت با سن قصد شده ازدواج هستند و هرچه تحصیلات افراد کمتر باشد، سن قصد شده ازدواج کاهش می‌یابد و علت این مسئله افزایش سن جوانان با افزایش سطح تحصیلات می‌باشد، زیرا بیشتر جوانان پس از اتمام تحصیل به دنبال ازدواج خواهند بود که این موضوع باعث گردیده رابطه تحصیلات با سن قصد شده ازدواج مستقیم و مثبت گردد، از سوی دیگر متغیر سابقه کار نیز با سن قصد شده ازدواج دارای رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد و هرچه میزان سابقه کار بالاتر باشد، سن قصد شده ازدواج نیز افزایش خواهد یافت که البته این موضوع برخلاف تصورات جامعه است، زیرا بیشتر افراد تصور می‌نمایند با افزایش سابقه کار، سن قصد شده ازدواج کاهش خواهد یافت در صورتی‌که در نتایج حاصل شده خلاف آن به اثبات رسید و با افزایش سابقه کار جوانان به سمت آرمان‌گرایی در ازدواج خواهند رفت و با وسواس بیشتری به انتخاب همسر اقدام می‌نمایند و به دنبال افرادی خواهند بود که نزدیک به طبقه اجتماعی - اقتصادی و شبیه به افکار آنان باشد و این امر خود به افزایش سن قصد شده ازدواج منجر و به همین علت رابطه سن قصد شده ازدواج با سابقه کار مستقیم و مثبت بدست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی سن قصد شده ازدواج و تعیین‌کننده‌های آن در شهر اصفهان انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد میانگین سن قصد شده ازدواج دختران و پسران به ترتیب ۲۶/۶ سالگی و ۲۸/۲ سالگی است که بر اساس یافته‌های مطالعه اختلاف میان سن قصد شده ازدواج و سن در حال وقوع ازدواج و همچنین سن مطلوب ازدواج مشاهده می‌شود، بدیهی است شکاف موجود حاکی از تاثیرگذاری عوامل زیادی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در این مطالعه جوانان عمده‌ترین نگرانی‌های خود را قبل از شروع زندگی مشترک عدم ثبات قیمت‌ها، عدم تامین هزینه‌های درمانی و نداشتن شغل مناسب می‌دانستند. دختران بهترین زمان برای ازدواج را بعد از

اتمام تحصیلات دانشگاهی می‌دانند و پسران بهترین زمان برای ازدواج را بعد از یافتن شغل و تمکن مالی عنوان نموده‌اند. دختران مهمترین موانع ازدواج خود را پیدا نکردن فرد دلخواه، هزینه‌های مراسم ازدواج و عدم تمایل به ازدواج می‌دانند و پسران نداشتن شغل مناسب، مشکل تهیه مسکن و هزینه‌های مراسم ازدواج عنوان نموده‌اند. با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان دریافت که به علل مختلفی سن قصد شده ازدواج جوانان در حال افزایش است که بیشترین عامل بخصوص برای پسران عدم اشتغال و عدم تمکن مالی و مشکلات اقتصادی عنوان شده است. در پژوهش آقاسی و فلاح (۱۳۹۴) مهمترین مشکل ازدواج جوانان نداشتن شغل و درآمد عنوان شده است که نتایج این متغیر با نتایج تحقیق (گیبل ۲۰۱۶؛ هیپن ۲۰۱۶؛ شکوری ۱۳۹۷) همخوانی دارد. بر اساس این یافته‌ها که همسو با نظریه نوسازی است می‌توان بالا رفتن سن ازدواج را متأثر از وضعیت اقتصادی کلان جامعه فرض کرد. نظریه نوسازی تغییر الگوهای ازدواج را با تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی مرتبط می‌داند. از این رو افزایش میانگین سن قصد شده در اولین ازدواج را می‌توان در چارچوب سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی و یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی-اجتماعی تغییر یافته توضیح داد (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴). همچنین نتایج بدست آمده نشان از تایید تئوری‌های انتخاب عقلانی و تورم رکودی است که مطالبی که در این تئوری‌ها عنوان شده با انجام این پژوهش تایید گردید. همچنین تحصیلات از جمله عوامل تاثیرگذار بر سن قصد شده ازدواج است. مکانیزم اثرگذاری آن از یک سو می‌تواند مبتنی بر تغییر ایده‌ها و نگرش‌هایی باشد که با تحصیلات رخ می‌دهد و از سوی دیگر با انتظار شغلی و جبران هزینه‌های مادی صرف شده در تحصیل مرتبط است. این نتیجه در پژوهش‌های (رازقی نصرآباد و فلاح نژاد ۱۳۹۶، صباغچی و همکاران ۱۳۹۶، پیری محمدی و همکاران ۱۳۹۴، حبیب‌پور ۱۳۹۰، هیپن ۲۰۱۶، گیبل ۲۰۱۶، مائو بریگاس ۲۰۱۵ و ینگ ۲۰۰۶) نیز حاصل شده بود.

یافته‌ها نشان داد طبقه اجتماعی- اقتصادی پاسخگویان پسر رابطه معکوس با سن قصد شده ازدواج دارد و هرچه طبقه اجتماعی- اقتصادی پاسخگویان بالاتر باشد، سن قصد شده ازدواج آنان کاهش می‌یابد. در واقع پس از تحلیل نتایج مشخص گردید هرچه وضعیت اجتماعی- اقتصادی افراد ضعیف‌تر باشد سن قصد شده ازدواج آنان افزایش می‌یابد و با افزایش سطح طبقه اقتصادی - اجتماعی، سن قصد شده ازدواج کاهش می‌یابد که علت این مسئله به سهولت انجام مراسم ازدواج برای طبقات مرفه‌تر جامعه نسبت به طبقات کم برخوردار از منابع مالی باز می‌گردد، زیرا در شرایط فعلی حاکم بر کشور بزرگترین دغدغه جوانان برای ورود به دنیای متاهلی مسئله تامین مالی انجام مراسم ازدواج و در اختیار داشتن مسکن مستقل است که این نتایج در پژوهش‌های (شکوری و همکاران ۱۳۹۷، نیکخواه و همکاران ۱۳۹۵، آبرخت ۱۳۸۴، یعقوبی چوبری ۱۳۷۸ و گالی و همکاران ۲۰۱۲) نیز حاصل شده است و با نظریه‌های تورم رکودی و دسترسی، امکان و تمایل نیز

همخوانی دارد. به‌طور مثال در تئوری تورم رکودی عنوان می‌نماید که تاخیر در سن ازدواج با اوضاع نابسامان اقتصادی در ارتباط است، به طوری که در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره بحران و رکود اقتصادی ازدواج به تاخیر خواهد افتاد یا منتفی می‌شود. بدین صورت که با افزایش بیکاری، تورم، قیمت اجاره مسکن و خرید آن و هزینه‌های هنگفت ازدواج، فرد را به این نتیجه می‌رساند که هنوز برای تشکیل خانواده آمادگی کافی ندارد و آن را به سال‌های آتی موکول می‌کند. با توجه به مبانی این تئوری افرادی که دارای طبقه اقتصادی بالاتری هستند به‌طور حتم دغدغه مسائل اقتصادی موضوع ازدواج برای آنان بسیار کمتر از جوانان با سطح اقتصادی پایین‌تر هستند و به همین علت رابطه معکوسی بین طبقه اجتماعی-اقتصادی به اثبات رسیده است.

نتایج نشان داد که متغیر پای‌بندی دینی رابطه‌ای معکوس با سن قصد شده ازدواج دارد یعنی این که هرچه میزان پای‌بندی دینی پاسخ‌گویان بالاتر باشد، سن قصد شده ازدواج آنان کاهش یافته که این موضوع به وفور در احکام دینی تاکید شده که "جوانان در سن کم ازدواج کنند تا از گناه و انحراف در امان باشند"، پس بنابراین افرادی که اعتقادات دینی قوی‌تری داشته باشند به ازدواج در سن کمتر تمایل بیشتر خواهند داشت که این نتیجه با تئوری دگرگونی ارزشی همخوانی بالایی دارد و در واقع این تئوری را تایید می‌نماید. در خصوص سایر متغیرهای (هدایت دوستان، هدایت خانواده و مصرف رسانه) رابطه‌ای معنادار و اثرگذار بر روی متغیر سن قصد شده ازدواج نداشتند که این نتایج در پژوهش‌های (سرایبی و اجاقلو ۱۳۹۲، مرادی و صفاریان ۱۳۹۱، حسینی و گراوند ۱۳۹۰، مشرف و رافیکول ۲۰۱۳ و گیبیل ۲۰۱۶) نیز حاصل شده است که با نظریه‌های کارکردگرایی و مدرنیسم همخوانی دارد.

در پایان مشخص گردید که ۲۴ درصد از متغیر سن قصد شده ازدواج دختران به واسطه متغیرهای (پایبندی دینی، سابقه کار و هدایت دوستان) تبیین می‌گردد و ۱۵ درصد از متغیر سن قصد شده ازدواج پسران به واسطه متغیرهای (پایبندی دینی، تحصیلات و طبقه اجتماعی-اقتصادی) تبیین می‌گردد. نکته قابل توجه در این پژوهش نیز این می‌باشد که دو متغیر سابقه کار و هدایت دوستان بر سن قصد شده ازدواج دختران تاثیرگذار و دو متغیر تحصیلات و طبقه اجتماعی-اقتصادی بر سن قصد شده ازدواج پسران تاثیر معنادار دارند که در طرف مقابل غیرمعنادار گردیدند. در مجموع بر اساس این مطالعه در کنار عوامل اقتصادی، تغییرات ارزشی و نگرشی هم در سن قصد شده ازدواج اهمیت دارد و با توجه به بالا بودن سن قصد شده ازدواج، تسهیل ازدواج جوانان و تشویق آن‌ها به ازدواج در سن مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است. لزوم اطلاع رسانی در مورد سن مناسب ازدواج و تاثیر تاخیر ازدواج بر از دست دادن فرصت ازدواج و فرزندآوری اهمیت زیادی دارد. این چنین راه‌کارهایی از یک‌سو نیازمند تغییرات ساختاری مناسبی می‌باشد که دولت در این

میان نقش مهمی ایفا می‌کند. ایجاد حاشیه امن برای افراد از طریق فراهم آوردن شغل مناسب و کاهش تورم و بی‌کاری، از جمله اقداماتی است که در این راستا باید صورت گیرد. از سوی دیگر، جامعه نیازمند تقویت بنیان‌های فرهنگی خود در زمینه خانواده و ازدواج است، آنچه که در جامعه بسیار نمود یافته است این که سبک زندگی و استانداردهای شروع زندگی مشترک نسبت به دهه‌های گذشته تغییر کرده است. نسل حاضر نسبت به نسل‌های پیشین خود به امکانات و ملزومات اقتصادی و رفاهی بیشتری قائل است. برای بسیاری از جوانان سن مطلوب ازدواج منوط به داشتن شغل مناسب و درآمد کافی، مسکن و تامین هزینه ازدواج است. در نتیجه باید اقداماتی صورت گیرد تا امکان ازدواج افراد در سن ایده‌آل و مناسب فراهم شود و این امر با شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی، تغییر باورها و ارزش‌های فرهنگی، کاهش هزینه‌های ازدواج از جمله تمهیدات لازم و ضروری است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- آقاسی، محمد؛ فلاح، فاطمه (۱۳۹۴)، «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده».
- ویژه‌نامه پژوهش زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- بختیاری، علیرضا (۱۳۹۹)، «ترجیحات شغلی و سن قصد شده ازدواج جوانان در شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد.
- توده فلاح، معصومه؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵)، «بررسی تاثیر نوسازی بر سن ازدواج با تاکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناختی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب ۱۳۸۵»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال ۳، شماره ۸، صص ۱۳۰-۱۰۵.
- حبیب پور، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، *مجله زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۷-۷.
- حسینی، حاتم؛ عسکری ندوشن، عباس؛ مرادی، ناهید (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان کُرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۶۳-۸۴.
- رازقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی؛ فلاح‌نژاد، لیلا (۱۳۹۶)، «تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج: مورد مطالعه شهر هشتگرد»، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹ (۷۵): ۸۴-۶۳.
- سرایبی، حسن؛ اوجاقلو، سجاد (۱۳۹۲)، «مطالعه علمی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی زنان شهر زنجان»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۵، شماره ۴، صص ۴۱-۱۹.

- شاه آبادی، زهرا، سرایی، حسن، خلیج آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۳)، «نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، دوره ۸، شماره ۱۶، صص: ۵۴-۲۹.
- شکوری، اعظم؛ نقدی، اسداله؛ امامعلی زاده، حسین؛ رحیمی، زهرا (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۴۱، پاییز ۹۷.
- صباغچی، مرجان؛ عباس عسکری ندوشن؛ ترابی، فاطمه (۱۳۹۶)، «عوامل تعیین‌کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد»، *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره ۳، شماره ۱، تابستان ۹۶، صص ۱۶۲-۱۳۲.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ رازقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی؛ حسینی چاووشی، میمنت (۱۳۹۹)، «امنیت اقتصادی- اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲۹، صص: ۲۳۸-۲۱۱.
- علی مندگاری، ملیحه، رازقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی؛ عسکری ندوشن، عباس و محسنی‌نژاد، زینب (۱۳۹۶)، «تعیین‌کننده‌های شکاف بین تعداد فرزندان واقعی و ایده‌آل در شهر تبریز»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص: ۷۹-۴۳.
- عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، محمدجلال؛ پیری‌محمدی، مریم (۱۳۹۵)، «سن ایده‌آل ازدواج و عوامل تعیین‌کننده‌ی آن در شهر یزد»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۹، شماره ۷۳، صص ۶۳-۳۵.
- عسکری ندوشن، عباس؛ امامی، عادل؛ شمس قهفرخی، فریده (۱۴۰۰)، *تحلیل مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی جوانان مجرد در استان یزد*، گزارش طرح پژوهشی، یزد: اداره کل ورزش و جوانان استان یزد.
- عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمدجلال؛ صادقی، رسول (۱۳۸۸)، «مادران و دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۴۴، صص ۷-۳۶.
- قاسمی اردهالی، علی؛ نویخت، رضا؛ ثوابی، حمیده (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۷۱-۵۳.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶)، «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، *فصلنامه پژوهش علوم انسانی*، شماره ۵۳، صص ۳۸۶-۳۷۵.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۹۸، (www.amar.org.ir).
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، (www.amar.org.ir).
- میرزایی، محمد (۱۳۸۲)، *گفتاری در باب جمعیت شناسی کاربردی*، تهران: دانشگاه تهران.

- نیکخواه، هدایت اله؛ فانی، مریم؛ اصغری‌پور، احمدرضا (۱۳۹۵)، «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل موثر در آن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هشتم، شماره سوم، پاییز ۹۶.
- هزارجریبی، جعفر؛ آستین افشان، پروانه (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل موثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته ۸۵-۵۵»، *برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره یکم، شماره ۱، صص ۳۲-۱۳.
- Ajzen, I. (2005), *Attitudes, Personality and Behaviour*. (2nd Edition), Milton-Keynes, England: Open University Press, McGraw-Hill.
- Arnett, Jeffrey Jensen. (2004), *Emerging Adulthood: The Winding Road from Late Teen through the Early Twenties*. New York: Oxford University Press.
- Axinn, William G., and Arland Thornton. (1996), "The Relationship Between Cohabitation and Divorce: Selectivity or Causal Influence?" *Demography* 29(3): 374-375.
- Abbasi-Shavazi, M.J., Askari-Nodoushan A. and Thornton, A. (2012), "Family Life and Developmental Idealism in Yazd, Iran, *Demographic Research*, 26:207-238.
- Blakemore, Judith E. Owen, Carol A. Lawton, and Lesa Rae Vartanian. (2005), "I Can't Wait to Get Married: Gender Differences in Drive to Marry." *Sex Roles* 53(5/6):327-335.
- Carroll, Jason S., Brian Willoughby, Sarah Badger, Larry J. Nelson, Carolyn McNamara Barry, and Stephanie D. Madsen. (2007), "So Close, yet so Far Away: The Impact of Varying Marital Horizons on Emerging Adulthood." *Journal of Adolescent Research* 22(3):219-247.
- Entner-Wright, B. R. (1998), "Behavioral Intentions and Opportunities among Homeless Individuals: A Reinterpretation of the Theory of Reasoned Action." *Social Psychology Quarterly*. 61: 271-286.
- Fishbein, M., and I. Ajzen. (1995), "Attitudes toward Objects as Predictors of Single and Multiple Behavioral Criteria." *Psychological Review* 81: 59-74.
- Gebel (2016), "Delayed transition in times of increasing uncertainty: school-to-work transition and the Delay of first marriage in Jordan." *Research in social stratification and Mobility*, No: 465, pp (61-72).
- Gassanov, Margaret A., Lisa M. Nicholson, and Amanda Koch-Turner. (2008). "Expectations to Marry Among American Youth: The Effects of Unwed Fertility, Economic Activity, and Cohabitation." *Youth & Society* 40(2):265-288.
- Hippen, Kaitlin. A. (2016), "Attitudes toward Marriage and Long-term Relationships across Emerging Adulthood." Thesis, Georgia State University. https://scholarworks.gsu.edu/sociology_theses/59
- Mau brigades, Silva (2015), "Connections between women's age at marriage and social And economic development." title clave: Document de job (Program de History Economic Social, Unity Multidisciplinary, Faculty de feminine Social, Universidad dela Republic) , No. 39 :pp (1-39).

- Makiko, M.(2014), “ Work-family conflict and attitudes toward marriage.” *Journal of family issues*, 35(6): pp 731-754.
- Muraco, Joel A., and Melissa A. Curran. (2012), “Associations Between Marital Meaning and Reasons to Delay Marriage for Young Adults in Romantic Relationships.” *Marriage & Family Review* 48(3):227–247.
- Musick, Kelly, and Larry Bumpass. (2012), “Reexamining the Case for Marriage: Union Formation and Changes in Well-Being.” *Journal of Marriage and Family* 74 (1):1–18.
- Sassler, Sharon, and Robert Schoen. (1999), “The Effect of Attitudes and Economic Activity on Marriage.” *Journal of Marriage & Family* 61(1):147–159.
- Simons, Leslie Gordon, Callie Harbin Burt, and Rachel Blyskal Tambling. (2013), “Identifying Mediators of the Influence of Family Factors on Risky Sexual Behavior.” *Journal of Child and Family Studies* 22(4):460-470.
- Umberson, Debra, Tetyana Pudrovska, and Corinne Reczek.(2010), “Parenthood, Childlessness, and Well-being: A Life Course Perspective.” *Journal of Marriage and Family* 72(3):612-629.
- Willoughby, Brian, and Jodi Dworkin. (2009), “The Relationships Between Emerging Adults’ Expressed Desire to Marry and Frequency of Participation in Risk-Taking Behaviors.
- Willoughby, Brian. (2010), “Associations Between Sexual Behavior, Sexual Attitudes, and Marital Horizons During Emerging Adulthood.” *Journal of Adult Development* 19(2):100-110.

